

روایت جزئیات یکی از مسمومیت‌های سریالی

سیب مشکوک، بطری سمی

روایت ماجرا از زبان دانش‌آموزان



می‌کند که مدیر به آنها گفته «توهم زده‌اند» و حالشان از استرس این‌طور شده است.

سیبی مشکوک که به چشم کودکان آمد

میان روایت دانش‌آموزان مدرسه رفعتی رشت، حرف از یک سیب مشکوک است. از حرف‌هایشان این‌طور مشخص شد که وقتی اولین بار به آنها گفتند به حیاط بروند این سیب را دیده‌اند. اکثرشان متوجه آن شده بودند و در موردش حرف می‌زدند و حتی یکی از معلمان هم آن را دیده بود.

یکی از آنها این‌طور توصیف می‌کند: «سیب گازدهای بود که روی آن انگار جوی پرک‌شده ریخته بودند و رنگ آبی داشت.» دانش‌آموز دیگری هم می‌گوید: «سیبی که معلوم بود تازه است در حیاط پرت شده بود و انگار داخل آن را مثلا با قاشق خالی کرده بودند. رویش هم پودر آبی‌رنگ بود و اطرافش هم ریخته بود.»

ماجرای سیب آنجایی بیشتر به چشم می‌آید که توجه مربی بهداشت مدرسه – که نام او را خانم سرعتی عنوان کردند- را هم جلب می‌کند. بچه‌ها می‌گویند «خانم بهداشت» سمت آن رفته بود و بعد هم کمی حالش بد شده بود و حتی تلو تلو هم خورد ولی بعد از مدتی حالش بهتر شد.

مدیر مدرسه در مورد این سیب هم به مادر یکی از دانش‌آموزان این‌طور گفته که دیوار را را رنگ می‌کردند و این سیب هم آن گوشه بوده و رنگی شده است. در حالی که طبق گفته اولیا و بعضی از بچه‌ها، رنگ‌آمیزی مدرسه همراه انجام شده بود و البته رنگ آبی دیوار هم با این آبی متفاوت بوده است.

محمد قاسمی، خبرنگار: بطری آب معدنی ترکیه در کلاس، سیب گاززده در حیاط، مسمومیت، تعمیر دوربین‌های مدرسه و البته حاشا و انکار خانم مدیر. اینها جان‌مایه روایت یکی از مسمومیت‌های سریالی دانش‌آموزان است. روایت دبستان دخترانه حمزه رفعتی رشت که روز شنبه رخ داد و به دنبال آن دست‌کم ۱۴ کودک این مدرسه روانه بیمارستان رازی رشت شدند.

خانم مدیر: توهم است!

ماجرا حوالی ساعت ۱۱ صبح آغاز شد. وقتی که زنگ خورده بود و دانش‌آموزان به کلاس‌هایشان رفته و منتظر ورود خانم‌معلم‌هایشان بودند. در یکی از کلاس‌ها تعدادی از دانش‌آموزان ادعا می‌کنند که بوی گاز می‌آید. بعضی‌ها زودتر آن را حس کردند. به نظر می‌رسد به دنبال اخبار مسمومیت‌های سه ماه اخیر این کودکان بی‌خبر از آنچه ممکن است رخ داده باشد، نبودند. به همین دلیل انتظامات کلاس به دانش‌آموزان می‌گوید: «اگر ماسک دارید ماسک بزنید و مقنعه‌تان را جلوی دهانتان بگیرید و جوسازی نکنید.»

بو بیشتر می‌پیچد. یکی از دانش‌آموزان سراغ مدیر مدرسه می‌رود. خانم مدیر چاره‌ها را سریع به حیاط می‌فرستد اما ابتدا قبول نمی‌کند که اتفاقی افتاده و به آنها می‌گوید که سر کلاس رفته و بویی نمی‌آمده و بچه‌ها «الکی» می‌گویند. توهم است و از سر استرس.

بعد از این حرف‌ها دانش‌آموزان دوباره به کلاس برمی‌گردند اما هنوز خیلی نگذشته که دوباره «زنگ خطر» به صدا درمی‌آید و آنها دوباره برمی‌گردند به محوطه مدرسه.

یکی از دانش‌آموزان واکنش مدیر را این‌طور شرح می‌دهد: «من تا شنیدم که بچه‌ها می‌گویند بوی گاز می‌آید سریع مقنعه را روی دهانم گرفتم اما همچنان بویی حس نمی‌کردم. بچه‌ها هم رفتند تا خانم مدیر را صدا کنند. بعد از آن ما را به حیاط فرستاند. خانم مدیر پیش ما آمد و گفت الکی نگویید چون من تا شنیدم رفتم بالا اما خبری نبود.» یکی دیگر از دانش‌آموزان هم نقل

واکنش آموزش و پرورش به گزارش «شرق»

آموزش و پرورش جوابیه‌ای در مورد گزارشی با تیتَر آموزش را فقیرتر نکند برای روزنامه نوشت: در پاسخ به مطلب مندرج در آن روزنامه به تاریخ ۱۴۰۱.۱۲.۱۹ با عنوان «آموزش را فقیرتر نکنید» پاسخ سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس وزارت آموزش و پرورش را به شرح ذیل به استحضار می‌رساند:

۱- تقریبا در اغلب کشورهای پیشرفته دنیا، رصد و پایش دقیق دارایی‌های دولت و خودداری از تبدیل دارایی‌ها به رکود و غیر قابل استفاده امری علمی و عاقلانه است لذا هدف اصلی مصوبه مولدسازی دارایی‌های دولت تلاش در جهت به فعلیت درآوردن اموال و املاک راکد دولت می‌باشد.

۲- آیین‌نامه اجرایی مولدسازی داراییهای دولت در جلسه ۱۴۰۱.۱۰.۲۱ هیئت عالی مولدسازی دارایی‌های دولت به پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه کشور و به استناد ج‌۶، بند ۲ مصوبه شصت‌وهفتمین شورای عالی هماهنگی اقتصادی، به تصویب رسید و در آن تمامی فرایندها و ابعاد اجرایی مولدسازی به تفصیل و شفاف آمده است.

۳- همان‌گونه‌که به‌کرات از مسیر رسانه‌های مختلف مطرح شد در مسیر تدوین پیش‌نویس مصوبه مولدسازی دارایی‌های دولت نقطه نظرات تعداد قابل توجهی از صاحب‌نظران داخلی و خارجی و مدیران باتجربه و مراکز علمی و پژوهشی در امر مدیریت دارایی‌های دولت مورد توجه قرار گرفت و جلسات هم‌فکری متعددی با این افراد برگزار شد و تمامی اسناد که در قالب‌های مکتوب، صوتی و تصویری منتشر شده است در دبیرخانه هیئت عالی مولدسازی موجود می‌باشد.

۴- هیئت عالی مولدسازی از عالی‌ترین سطح تشکیل شده است، حضور دو نماینده تام‌الاختیار قوای مقننه و قضائیه و پنج عضو دولت شامل: معاون اول (رئیس)، وزیر اقتصاد (دبیر)، وزیر کشور، وزیر راه و شهرسازی و رئیس‌سازمان برنامه و بودجه که هرکدام آنها به دلیل جایگاه و سمت خود مرتبط با دارایی‌های دولت هستند و طبیعتا حضور و دخالت آنان در فرایند تصمیم‌سازی مولدسازی

برگ سبز و سند کمپانی خودروپژو206TU5 رنگ سفید

روغنی مدل ۱۳۹۸ به شماره پلاک ایران ۲۲ - ۱۸۶ ن ۴۱

و شماره موتور167B0057252 و شماره شاسی

NAAP13FE8KJ341104 به نام **اکبر ملائی**

مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودروپژو207i-MT رنگ سفید

مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۳۰ - ۱۶۳ و ۹۹ و

شماره موتور166B0074346 و شماره شاسی

NAAR03FE3NJ351183 به نام **مینا گریمی**

مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودروفیدلیتی پرایم رنگ سفید مدل ۱۴۰۱

به شماره پلاک ایران ۶۳ - ۲۹۱ ب ۶۴ و شماره موتور

SQRE4T15C*BJNF60283 و شماره شاسی

NAGC1AB49N1010747 به نام **سمیه حیدری**

مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی فروش اموال از طریق مزایده

شرکت صنایع فراز نمونه قشتم (سهامی خاص) در نظر دارد دو دستگاه خودرو سمند را از طریق مزایده واگذار نماید.

لذا از متقاضیان درخواست می گردد از تاریخ درج آگهی به مدت سه روز پیشنهاد خود را کتبا و در پاکت در بسته به این شرکت اعلام نمایند. ضمنا جهت بازدید از خودروهای مذکور و اطلاع از شرایط مزایده با شماره تلفن: ۴۴۹۰۱۶۸۵ داخلی ۳۱۹ تماس حاصل فرمائید.

که در بیمارستان بستری شدند برخی ادعا کردند که در کلاسشان بطری آب‌معدنی بود که از آن دود می‌آمد و به قول یکی از این دانش‌آموزان رنگش هم شبیه وقتی بود که تهران هوا آلوده می‌شود.

تعمیر دوربین در روز اتفاق

یکی از دانش‌آموزان در خلال این اتفاق‌ها به حضور یک مرد در مدرسه پیش از این حادثه اشاره می‌کند و می‌گوید پس از انتشار بو او را در حال کار روی دوربین راهروی مدرسه دیده است. او می‌گوید: «وقتی اولین بار ما را فرستادند پایین، من رفتم بالا که جامدادی‌ام و کاپشن یکی از دوست‌هایم را بردارم. آنجا دیدم آقایی که نمی‌دانم چه کسی بود با دوربین‌های راهرو مشغول است. خانم مدیر تأیید کرد که او آمده دوربین‌ها را درست کند.» به گفته او این فرد پیش از اینکه برای اولین بار زنگ خطر مدرسه به صدا در بیاید در حال درست‌کردن دوربین‌ها بوده است.

از گفته‌های دانش‌آموزان این مدرسه این‌طور برمی‌آید که بعضی‌ها زودتر از دیگران بویی شبیه به بوی گاز را حس کرده‌اند. در گفته‌ بعضی‌هایشان به بوی تند گاز و ترکیب‌شده با بوی تخم‌مرغ کندیده اشاره شده است. برخی هم از بویی شبیه تن ماهی و همین‌طور ترکیب بوی گاز و سیب صحبت کردند.

علائم بعد از مسمومیت

به‌طور کلی اولین علائمی که میان دانش‌آموزان نمود پیدا کرد شامل «تنگی نفس، سرگیجه، حالت تهوع، بی‌حالی و بی‌حسی بود». این بدحالی باعث شد که ۱۴ نفر از دانش‌آموزان برای درمان بیشتر به بیمارستان رازی رشت منتقل شوند. پس از مدتی یکی از دانش‌آموزانی که به منزل رفته هم حالش بد می‌شود و او را هم به بیمارستان می‌آورند. تقریبا ۲۴ ساعت پس از این اتفاق علائم دیگری هم در برخی از آنها دیده شد. یکی از آنها دچار کولدرد و تب و لرز شد. بی‌حسی در یکی از دانش‌آموزانی که در اورژانس بود نمود بیشتری پیدا کرد. او اعلام کرده از زانو به پایین بی‌حس شده و ساق پایش حالتی شبیه به مورمورشدن دارد و پزشکان هم بعد از بررسی گفتند که مشکلی ندارد اما بعد از مدتی گفته که این حالت به انگشت‌هایش هم رسیده است. با این حال به او گفته‌اند ترخیص است اما هر زمان حالش بد شد دوباره به بیمارستان بیاید.

علائم به اولیا هم رسید: استشمام‌بو توسط همسایه‌ها

در حالی که عده‌ای معتقدند اتفاق‌های این روزها ناشی از «هیستری جمعی» دانش‌آموزان است اما از صحبت‌های افرادی غیر از این‌ دانش‌آموزان هم برمی‌آید که ماجرا فراتر از یک اتفاق صرفا روانی و بدون تأثیر متغیر بیرونی است، چراکه آنها هم پس از حضور در مدرسه دچار علائم مختلفی شده‌اند.

خواهر یکی از دانش‌آموزان که حدود یک ساعت پس از حادثه در مدرسه حاضر شده بود می‌گوید وقتی به خانه برگشته تا چند ساعت احساس سنگینی در قفسه سینه و نفس‌تنگی داشته است. مادر یکی از دانش‌آموزان هم می‌گوید پس از اینکه به مدرسه رفته همسایه‌هایی را که بیرون بوده‌اند، دیده و بعضی از آنها می‌گفتند از ساعت ۱۱ این بو را در خانه خودشان هم حس می‌کردند. آن‌قدر زیاد که به این دلیل منزل را ترک کردند و بیرون آمدند. این فرد می‌گوید خودش هم تا حوالی ۱۱-۱۲ آن شب در قلیش حساسی خاصی را تجربه کرده است.

آن‌طور‌که از گفته‌های والدین برمی‌آید به نظر می‌رسد اطلاع‌رسانی به والدین هم به درستی صورت نگرفته است و تشویش مسئولان مدرسه در این موضوع هم به چشم می‌آید. مدیر مدرسه به کسانی که خبر داده بود هم در ابتدا علت ماجرا

را به درستی اعلام نکرده بود.

مادر یکی از دانش‌آموزان این‌گونه از اتفاق باخبر شده است: «ساعت یازده و خرده‌ای مادر یکی از بچه‌ها به من زنگ زد و گفت که مدیر به او زنگ زده و گفته که تأسیسات مدرسه خراب شده و بچه‌ها دچار گاز گرفتگی شده‌اند. من هم وقتی رفتم مدرسه دیدم بچه‌های توی حیاط پخش هستند و یک‌سری آمبولانس هم آنجاست. مربی بهداشت بچه‌ها هم به دلیل اینکه در ابتدای ماجرا می‌خواست سریع به بچه‌ها خبر بدهد و آنها را به حیاط بفرستد پایش پیچ خورده بود.»

خواهر یکی از دانش‌آموزان فرد دیگری بود که می‌گوید این‌طور باخبر شده و به مدرسه رفته است: «تلفن خانمان زنگ خورد، اول جواب ندادم و بعد مامان از سر کار زنگ زد و گفت برو مدرسه دنبال آبیچی. گفتند حالش در مدرسه بد شده. بعدش دوباره مامان یکی از بچه‌ها به خانمان زنگ زد و گفت که در مدرسه گاز زده‌اند، برو دنبال خواهرت.»

والدین گرامی، سلامت فرزند شما محرمانه است!

مادر یکی از دانش‌آموزان که فرزندش در اورژانس بیمارستان رازی بود درباره روند رسیدگی‌ها به این موضوع اشاره کرد که از فرزندش آزمایش گرفته‌اند اما اعلام کرده‌اند که او مشکلی ندارد و ترخیص شده‌اند. این فرد همچنین عنوان کرد که نتیجه آزمایش را نه به آنها تحویل داده‌اند و نه حتی همان‌جا نشانشان داده‌اند. مسئولان بیمارستان تنها شفاهی اعلام کرده‌اند که فرزندش مشکلی ندارد.

دیوار بلند حاشا

مادر این دانش‌آموز که فرزندش یکی از افراد بستری‌شده در اورژانس بود می‌گوید فردای اتفاق وقتی مدیر با او تماس گرفته تا حال کودکش را جویا شود، از او پرسیده چرا همان ابتدا به درستی همه خانواده‌ها را باخبر نکردید. خانم مدیر هم در جواب گفته: ما دگر پیچ‌خوردن پای معلم مدرسه بودیم و به این دلیل نشد اولیا را خبر کنیم. این فرد می‌گوید مدیر مدرسه در این مکالمه تلفنی با وجود گذشت بیش از ۲۴ ساعت از اتفاق باز هم تلاش بر انکار اصل موضوع داشته و همچنان مدعی بود که اتفاق خاصی رخ نداده است: «او به من گفت بچه‌ها به دلیل استرس حالشان بد شد و ما هم وقتی دیدیم دختر شما استرسی است گفتیم که تو هم با آمبولانس برو». این در حالی است که این دانش‌آموز در مدرسه آن‌قدر حالش بد بوده که همان‌جا اورژانس اکسیژن‌رسانی را به او آغاز کرده و سپس به بیمارستان منتقل کرده بود.

پدر یکی از دانش‌آموزان هم می‌گوید وقتی فردای آن روز به مدرسه دخترش رفته همچنان مدیر عنوان می‌کرده که اتفاقی نیفتاده و اصل ماجرا را رد می‌کرد.

تلاش بی نتیجه برای تماس با مسئولان مدرسه

با وجود تلاشی نگارنده برای گفت‌وگو با مدیر مدرسه برای روشن‌ترشدن ابعاد موضوع و شنیده‌شدن روایت مدیر مدرسه حمزه رفعتی، تا لحظه تنظیم گزارش، این‌ص مصاحبه صورت نگرفت. میرحامد به نگارنده اعلام کرد که حال مساعدی ندارد و پس از بهبود صحت خواهد کرد. در آخرین تماس نیز مدیر این مدرسه از نگارنده درخواست کرد که برای انجام مصاحبه به صورت حضوری به رشت سفر کند.

از سوی دیگر تماس با خدیجه عباسی، مربی بهداشت مدرسه هم به نتیجه‌ای نرسید و او در پاسخ به نگارنده اعلام کرد که روز شنبه در مدرسه حضور نداشته و در مرخصی استعلاجی بوده است.

ادامه از صفحه اول

غلیان اسفند

حتی اگر جهاد تبیین (یعنی بیان صادقانه واقعیات و شرایط واقعی) را تلاش توجیه (یعنی استدلال برای موجه نشان‌دادن) تعبیر کنیم، نمی‌توانیم «همینه که هست» را بپذیریم. «همینه که هست» پاشیدن نمک بر زخم‌های کشور ایران و ملت آن، به جای التیام و درخواست مساعدت و کمک از مردم به معنی عام و از متفکران و اندیشمندان و دلسوزان به این آب و خاک به طور خاص است.

شاید هم این از ویژگی‌های اسفند باشد. نمی‌دانم آیا به دلیل خاصی نام ماه دوازدهم سال را نام آن گیاه جرقه‌زن گذاشته‌اند یا خیر؟ اما در عالم قیاس ماه دوازدهم سال یعنی اسفند را می‌توانیم به غلیان دانه اسفند تشبیه کنیم.

غلیان ترافیک، غلیان دست‌فروشان و کاسبان، غلیان مسافرت، غلیان درشت‌گویی‌ها به‌خاطر اتلاف وقت، غلیان خرج‌های پیش‌بینی‌نشده، غلیان قیمت‌ها و حتی غلیان کودکان در درخواست از والدین و اینک غلیان خودپیش‌بینی و تحمیل به دیگران و از خود متشکربودن. آیا اسفند یعنی ماه دوازدهم ارتباط معنی‌داری با دانه اسفند دارد؟ معلوم نیست؛ اما به هر حال غلیان‌ها در این ماه دیده می‌شود؛ حتی غلیان تکبر بر تواضع.

این روزها واقعا تردد و زندگی در تهران بسیار سخت و پرزحمت است و برای عاقبت‌اندیشان، بودن در خانه بسیار دلپذیرتر از بیرون‌رفتن است و معلوم نیست چگونه این‌ فرهنگ پرخاش و ازدحام و مصرف (در عین گرانی روزافزون) بر مردم تحمیل شده است و از همه تأسف‌بارتر اینکه رسم خانه‌تکانی که معمولا در گذشته بیشتر غبارروبی و تکاندن کثروغبار از فرش و پرده و مایملک خانه بود، در روزگار بی‌آبی و بحران آب، مصرف آب را به حد حداکثر تابستان می‌رساند.

بالاخره این غلیان‌ها هم بر روح آدم‌ها تأثیر می‌گذارد. شاید تکبر آن مقام مسئول هم تحت تأثیر جریان حافظانده و البته بدون اراده جامعه بوده است. اگر هم بوده است، نمی‌تواند توجیهی بر نمک‌پاشی بر زخم‌ها باشد. مدت زیادی از آرام‌شدن جامعه از شلوغی‌ها بر اعتراض‌ها نگذشته، آن‌قدر دلیل منطقی، سیاسی، اجتماعی و تاریخی برای توجیه (و حتی تبیین) وضع موجود وجود دارد که نیازی به تهدید و تحقیر، که فایده‌ای ندارد، دیده نمی‌شود؛ اما این، دل صادق، مردمی‌بودن عمیق و واقعی، دانشش وافر و زبان لَین نیاز دارد. جایی که خداوند به موسی (ع) می‌فرماید به دیدار فرعون طغیانگر برو و با او به نرمی صحبت کن، آیا برای مردم نوعا آرام و همراه ما زبانی متضاد با زبان لَین لازم است؟

آگهی دعوت

بدینوسیله از کلیه شرکا، موسسه سامان آفرین بصیر به شماره ثبت ۲۷۹۴۰ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۱۸۵۴۷ جهت برگزاری مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده در ساعت ۹ صبح مورخ۱۴۰۱/۱۲/۲۶ که در نشانی : تهران ، بزرگراه نواب صفوی ، تقاطع آذربایجان ، مجمع اداری سهیل ، واحد ۱۳۰۱ کد پستی : ۱۳۴۶۹۵۴۹۷۱ تشکیل می گردد خواهشمند است حضور بهم رسانید. دستور جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده : انتخاب مدیران ، تعیین اعضای هیئت مدیره ، تعیین وضعیت امضا مجاز، تعیین سمت مدیران ومواردی که در صلاحیت مجمع می باشد.

رئیس هیئت مدیره - علیرضا ذولفیان

برگ سبز و سند کمپانی خودرو

سایپا ۱۳۱مدل:۱۳۹۲

شاسی : NAS۴۱۱۱۰۰D۱۳۴۷۶۲۵

موتور : ۵۰۳۷۰۵۷

پلاک : ۴۰: ایران ۴۹۵ ب ۶۸

مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.